

مفسران معاصر امامیه و غرر قرآن؛ چیستی، رهیافت‌ها و گونه‌ها^۱

علی راد^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۱۳)

چکیده

آیاتی از قرآن به دلیل دارا بودن ویژگی‌های برجسته محتوایی و بیانی، مرجعیت و جامعیت خاصی در تبیین آموزه‌های قرآنی یافته و به مرور از شهرت، فراوانی ارجاع و استناد در احادیث و اقوال مفسران برخوردار شده‌اند. در برخی از تفاسیر معاصر امامیه از این آیات، به عنوان «آیات غرر» یاد شده و معارف ژرفی از درونمایه آنها استخراج شده است. علی‌رغم استناد به آیات غرر، ماهیت، ملاک‌ها و شاخص‌های انتخاب این آیات بیان نشده و مباحث نظری و روش‌شناختی آن تبیین نگردیده است. در این مقاله، تبیین چیستی معنایی و مفهومی غرر، زمینه‌های پدیداری آیات غرر، انواع رهیافت‌ها، اکتشاف و الگوی طبقه‌بندی این آیات بررسی شده است. غرر قرآنی ریشه در سنت و عترت داشته و به عبارتی‌های تام قرآنی که در موضوع خود در مجموع آیات قرآنی از برجستگی خاص بیانی و محتوایی برخوردار بوده و در تبیین موضوع و پاسخگویی به مسائل آن منحصر به فرد و کارآمد باشند، اطلاق می‌شوند. دو رهیافت غایت‌گرا و محتوا گرا میان مفسران معاصر امامیه در انتخاب آیات غرر رایج است. اکتشاف غرر قرآنی بر پایه روش‌های نقلی، اجتهادی و تراثی ممکن است و الگوی جامع و معیار در این خصوص، طبقه‌بندی آن‌ها بر پایه نظریه معرفت دینی در ساحت‌های پنج‌گانه اصلی آن است.

کلید واژه‌ها: تفسیر امامیه، طبقه‌بندی آیات، غرر آیات، قاعده تفسیری.

۱. این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «مفسران امامیه و آیات غرر قرآن: رویکردها و گونه‌ها» مصوب پردیس فارابی دانشگاه تهران است.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران،
Email: ali.rad@ut.ac.ir

طرح مسئله

علامه طباطبایی از تعبیر «من غرر الآیات» در توصیف دوازده آیه استفاده کرده است [۴۸؛ ۲، ص ۳۷۳؛ ۴۸؛ ۱۱، ص ۳۳۵؛ ۴۸؛ ۱۲، ص ۹۸؛ ۴۸؛ ۱۳، ص ۶ و ۲۲۴؛ ۴۸؛ ۱۴، ص ۱۱۹؛ ۴۸؛ ۱۵، ص ۹۵؛ ۴۸؛ ۱۶، ص ۲۰۹؛ ۴۸؛ ۱۷، ص ۶۳؛ ۴۸؛ ۱۸، ص ۳۳۷؛ ۴۸؛ ۱۹، ص ۲۶؛ ۴۸؛ ۱۹، ص ۲۰۱؛ ۴۸؛ ۱۹، ص ۳۱۶؛ ۴۸؛ ۲۰، ص ۲۲۳]. بهره‌وری ایشان از آیات غرر به عنوان یک قاعده در گستراندن معارف قرآن و نشان دادن دقایق و حیانی، ابتکار و وجه تمایز تفسیر *المیزان* با سایر تفاسیر است [۱۹]. بعدها تفسیر *تسنیم*، متأثر از تفسیر *المیزان*، غرر قرآنی را در تفسیر هر سوره مشخص کرده است. در تفسیر *تسنیم* غیر از شاخص توحیدی بودن آیات غرر، تعبیر دیگری که به عنوان ضابطه و ملاک تعیین این آیات باشد، جز اشاره به موضوع و محتوای آیات، یافت نشد. مؤلف این تفسیر در این باره می‌نویسد: «چون همه مسائل اسلامی قرآنی، اعم از عقاید، اخلاق احکام و حقوق، به توحید خدای سبحان باز می‌گردد که زیر بنای همه معارف و اعمال شایسته است؛ بیشترین آیات کلیدی قرآن، آیات توحیدی اند. افزون بر این، خواهد آمد که محور اصلی سوره آل عمران با توجه به فضای نزول این سوره و آیات آن، توحید است و محتوای غرر آیات این سوره نیز مباحث توحیدی است. علامه طباطبایی، شماری از غرر آیات را در مواضع گوناگون تفسیر *المیزان* آورده است که بیشترین محتوای آن‌ها توحیدی است» [۲۰؛ ۱۳، ص ۱۳-۳۲]. افزون بر تفسیر *المیزان* و *تسنیم*، تعبیر غرر در تفسیر *الفرقان* نیز حداقل در مورد چهار آیه بکار رفته است [۴۰؛ ۵، ص ۶۲؛ ۴۰؛ ۵، ص ۱۶۸؛ ۴۰؛ ۱۰، ص ۳۱۰؛ ۴۰؛ ۲۶، ص ۱۹۷]. در اینکه کدام یک از دو تفسیر *المیزان* و *الفرقان* در رویکرد غررشناسی قرآن متأثر از دیگری بوده است، نگارنده به نظر قطعی دست نیافت و استناد به تقدم زمانی انتشار *الفرقان بر المیزان*، برای اثبات آن اندکی دشوار می‌نماید؛ هر چند در تفاسیر معاصر امامیه، تقدم تاریخی *الفرقان* در طرح این ایده قابل انکار نبوده و چه بسا با قراین بیرونی بتوان ابتکار وی را نیز اثبات کرد.

به همین شکل رویکرد تعیین غرر احادیث نیز، در لسان معصومان «... آنه لمن غرر احادیثنا و باطن سرایرنا و مکنون خزائننا؛ همانا این حدیث از شمار غرر سخنان ما، باطن اسرار ما و گنجینه خزائن ما می‌باشد» [۴۵؛ ۲، ص ۶۱۰] و عالمان امامیه رایج بوده است «... و از همین رو، برخی از روایاتی که از همین نوع هستند به سان احادیث غرر می‌باشند که حاوی معارف بلندی بوده و امثال چنین روایانی آن‌ها را حمل می‌کنند... و

همه این نوع از احادیث نیازمند پژوهش و جست‌وجوی گسترده و کاملی است» [۱۰؛ ۱، ص ۳۵]. علامه طباطبایی نیز ذیل روایت علوی « أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْوَحْيِ؟ قَالَ: لَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِلَّا أَنْ يُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا فَهَمَّا فِي كِتَابِهِ » می‌نویسد: « این حدیث از غرر روایات است و بر کمترین چیزی که این روایت دلالت دارد این است که آنچه از معارف شگفت‌انگیزی که از ساحت علمی ایشان صادر شده و عقلها را به حیرت انداخته، همگی از قرآن اخذ شده است» [۴۸؛ ۳، ص ۷۱].

خاستگاه ایده‌غررگزینی از قرآن چیست؟ این ایده از کجا و چگونه در اندیشه مفسران معاصر امامیه شکل گرفته و ملاک ایشان در تعیین آیاتی به عنوان غرر چه بوده است؟ ماهیت آیات غرر، زمینه‌های پدیداری و وجوه تمایز آن‌ها با دیگر آیات چیست؟ اهم رویکردهای رایج میان مفسران امامیه در گزینش غرر قرآن کدام است؟ روش‌های استخراج غرر قرآن چیست؟ الگوی جامع طبقه‌بندی غرر قرآن کدام است؟ و ... از اهم مسائل غررپژوهی قرآن است. متأسفانه علی‌رغم کاربرد اصطلاح غرر میان عالمان امامیه، در تعیین آیات و احادیث خاص، تحلیل دقیق، روشن و جامعی از چند و چون، شرایط و چگونگی آن در تفاسیر امامیه به عمل نیامده است. نظر به این ضرورت، این پژوهش با رویکرد نظریه‌پردازی، تبیین چیستی معنایی و مفهومی غرر، زمینه‌های پدیداری آیات غرر، انواع رهیافت‌های مفسران معاصر امامیه به ماهیت غرر، اکتشاف و الگوی طبقه‌بندی این آیات را مورد بررسی قرار داده است. پیش‌فرض نویسنده این است که آیات غرر ریشه در سنت تفسیری اهل بیت^(ع) دارد و به عنوان یک قاعده تفسیری در تبیین آموزه‌های قرآنی نقش‌آفرین است و مفسران معاصر امامیه، نقش برجسته‌ای در طراحی و ارائه آن داشته‌اند. ساختار مقاله، متناسب با مسائل اصلی آن به پنج بخش مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی، رهیافت‌شناسی، اکتشاف و طبقه‌بندی غرر قرآنی تقسیم و در هر بخش پاسخی به پرسش‌های پژوهش ارائه می‌شود.

با محوریت مسائل این پژوهش، مقاله یا کتاب نشر یافته به زبان فارسی یا عربی یافت نشد و می‌توان ادعا کرد که این موضوع فاقد پیشینه تخصصی است لکن در شمار معدودی از پژوهش‌های مرتبط با روش‌شناسی تفسیر *المیزان* به استفاده علامه از آیات غرر اشاره شده است. از این جمله می‌توان به مقاله «سیره تفسیری مرحوم علامه طباطبایی^(ع)» [۱۹] و «غرر الآیات در تفسیر *المیزان* با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات» [۵۷] اشاره کرد. در بخشی از نوشتار نخست فقط به نمونه‌های استنادی علامه به عنوان آیات غرر و توحیدی بودن آن‌ها بسنده شده است. نوشتار دوم نیز به اجمال در

مقدمه به معناشناسی غرر پرداخته و سپس آیه ۵۶ سوره ذاریات را مورد بحث قرار داده است. اساساً مسائل این مقاله با مسائل دو نوشتار یاد شده متفاوت و کاملاً متمایز از آن‌ها است. رویکرد مقاله حاضر نظریه‌شناسی با روش اکتشافی - تحلیلی است ولی مقالات یاد شده رویکرد توصیفی و ترویجی دارند.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. معنای لغوی

غُرَّر جمع کلمه غُرَّة از ریشه غرر است [۸؛ ۵، ص ۱۵]. استعمال مشتقات این واژه در آیات قرآن - به شکل فعل ماضی^۱ و مصدر^۲ - در روایات نبوی چون «كَانَ النَّبِيُّ^۳ يَغُرُّ عَلِيًّا بِالْعِلْمِ»، «لَا غَرَّارَ فِي صَلَاةٍ وَلَا تَسْلِيمٍ»، «لَا تُغَارُّ التَّحِيَّةُ» [۱؛ ۳، ص ۳۵۷] و موارد دیگر [۳؛ ۲، ص ۳۳۴؛ ۴۴؛ ۱۲۱؛ ۵۰؛ ۳، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ ۸؛ ۵، ص ۱۹]، در احادیث امام علی^(ع) همانند «مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ يَغُرَّهُ كَمَا يَغُرُّ الْغُرَابُ بَجَهِّهِ» [۱؛ ۳، ص ۳۵۷] و سخنان صحابه [۱؛ ۳، ص ۳۵۷] و نیز کاربرد فراوان آن در اشعار و خطبه‌های دوره جاهلی و اسلامی [۱۱؛ ۴، ص ۱۲۹؛ ۱۱؛ ۵، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ ۱۱؛ ۹، ص ۱۹۳؛ ۱۴؛ ۱، صص ۸۱، ۳۳۳ و ۳۸۷؛ ۱۴؛ ۲، صص ۷۲ و ۵۰۵؛ ۱۴؛ ۳، صص ۵۵ و ۵۶؛ ۵۵؛ ۱۴؛ ۲، ص ۱۸۱؛ ۱۴؛ ۶، ص ۸۱؛ ۲۹؛ ۱، ص ۲۸۶؛ ۴۶؛ ۱، ص ۴۴۹ - ۴۵۰] نشانگر شیوع و رواج آن در دوره نزول قرآن و عصر نبوی بوده است و لذا در اصالت عربی آن تردید وجود ندارد.

در کتاب‌های لغت کهن، معانی متفاوتی چون درخشندگی، سپیدی، بهترین، ناب‌ترین، برجسته‌ترین و سرآمد برای این واژه آمده است [۵؛ ۴، ص ۷۱؛ ۸؛ ۵، ص ۱۵؛ ۵۴؛ ۴، ص ۳۴۶] لذا به هر چیزی که برجستگی خاصی داشته باشد و در مقایسه با همگنانش نفیس‌تر و دارای فضیلت بیشتری باشد، غُرَّة اطلاق می‌شود [۸؛ ۵، ص ۱۹-۲۱]. برای نمونه در محاورات عرفی عرب‌زبانان کهن به اسب، برده، شتر نجیب و کنیز فربه و خوش‌رو، «غُرَّة المال» اطلاق شده است [۱؛ ۳، ص ۳۵۴]. فراهیدی بر این مبنا غره را «خالص از مال» معنا کرده است [۵۴؛ ۴، ص ۳۴۶]. همچنین در اشاره به نقطه سفید

۱. «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ [الأنفال: ۴۹]»، «ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا [الجاثية: ۳۵]» و نیز نک: [آل عمران: ۲۴؛ الأنعام: ۷۰ و ۱۳۰؛ الأعراف: ۵۱؛ الحديد: ۱۴؛ الانفطار: ۶].

۲. «حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَكَم بِاللَّهِ الْغُرُورُ [الحديد: ۱۴]»، «إِنَّ الْكَاذِبُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ [الملک: ۲۰]»، «وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا [النساء: ۱۲۰]» و نیز نک: [الأنعام: ۱۱۲؛ الإسراء: ۶۴؛ الأحزاب: ۱۲؛ فاطر: ۴۰].

داخل چشم سگ سیاه، سپیدی پیشانی اسب [۲:۲۱، ص ۷۶۷]، برده و کنیز سفیدپوست [۳:۱، ص ۳۵۳]، آغاز هر ماه و سال [۱:۱۴، ص ۴۶۶؛ ۲:۱۴، ص ۷۲؛ ۶۱، ص ۱۱۸]، صورت زیبا [۹:۳۶۲؛ ۱:۱۴، ص ۴۴۵]، اندیشه‌ای بکر [۲:۱۴، ص ۵۰۵]، شخصیت کم‌نظیر [۳:۱۴، ص ۵۶؛ ۶۱، ص ۱۹۳]، بزرگ و رئیس قوم و قبیله، از این واژه استفاده می‌کردند.

واژه غره و غرر از واژگان بیان‌کننده ارزش و منزلت مادی و معنوی در زبان عربی است و کاربرد گسترده‌ای دارد و در مورد اشیاء، انسان، زمان، مکان و ... به کار رفته است و هر عرب‌زبانی در مقام معرفی خود و مقایسهٔ امور با یکدیگر ناگزیر از کاربرد آن است و لذا این واژه غرابت معنایی و استعمالی ندارد اما با توجه به تفاوت اعراب حرف اول ماده آن به کسره، فتحه یا ضمه معانی متفاوتی از این ماده اراده شده است که لغت‌شناسان به آن توجه نشان داده‌اند [۱:۳، صص ۳۵۳-۳۵۶؛ ۴:۵۴، صص ۳۴۵-۳۴۷؛ ۸:۵، صص ۱۹-۲۱؛ ۲:۲۱، صص ۷۶۷-۷۷۰؛ ۳۴، صص ۶۷۴-۶۷۵]. این ماده به فتح به معنای خدعه و فریب و به کسر به معنای غفلت و کم‌تجربگی [۸:۵، ص ۱۶] و به ضم (غرر) به معنای باطل [۸:۵، ص ۱۲] و در ساختارهای دیگر به معنای کاستی و فریفتگی نیز آمده است [۴:۵۴، ص ۳۴۵]، و به کسر در روایت نبوی «لا تغار التحیه» نیز بکار رفته است [۴:۳، ص ۱۷۵]. به نظر می‌آید میان فریفتگی و درخسندگی رابطه معنایی باشد زیرا انسان معمولاً زمانی فریب می‌خورد که چیزی برای وی جذابیت داشته باشد [۵:۳، ص ۴۲۱]. این معنا بیشتر در آیات قرآنی بکار رفته است و معمولاً غرور به معنای فریب با واژگانی چون دنیا، شیطان، آرزوها [۵:۲، ص ۸۵] و چهرهٔ خوش صورت همنشینی دارد. در شماری از ابیات مثنوی، واژهٔ غره و مشتقات آن با محتوای وصایای اخلاقی و احتیاط در مواجهه با دنیا بکار رفته است [۳:۳۷، ص ۴۴۱؛ ۳:۳۷، ص ۳۲۵-۳۲۶].

در مجموع با توجه به کاربردهای واژهٔ غرر در زبان عربی می‌توان گفت گوهر معنایی این کلمه، برجستگی شیئی یا شخص می‌باشد که برآیند شرافت، نفاست، فضیلت، زیبایی و آغازه بودن آن در میان هم‌سالان و هم‌سانان و هم‌سالان خود است [۱:۱۴، ص ۳۳۳].

۲.۱. معنای اصطلاحی

بر پایهٔ تحلیل معنایی غرر، آیات غرر را می‌توان به آیات ممتاز بیانی و محتوایی قرآن در موضوع خود تعریف کرد که واجد اوصاف اختصاصی بوده و همانند آن‌ها در قرآن وجود نداشته باشد. «ممتاز» فصل ممیز این آیات از سایر آیات است و از تعبیر «بیانی و محتوایی» توأمان بودن این دو وصف برای آیات غرر مقصود است به گونه‌ای که آیهٔ غرر همزمان واجد هر دو امتیاز بلاغی و محتوایی باشد. این سخن به معنای نفی اعجاز از

آیات غیر غرر و حصر آن در غرر نیست، بلکه نگارنده با اعتقاد به بلاغت و اعجاز برای تمامی آیات قرآن، قائل به نوعی تمایز برای شماری از آیات به لحاظ ویژگی‌های بیانی و محتوایی است که آن‌ها را از آیات دیگر متمایز می‌سازد. استفاده از تعبیر آیات کلیدی، زیربنایی، باهره [۱۹] برای این نوع از آیات به تعریف شرح‌الاسمی می‌ماند و از این‌رو نیازمند تکمیل است. همچنین عبارت «غرر آیات»، آیات کلیدی قرآن‌اند که راهگشای بسیاری از آیات دیگر بلکه پایه و میزان عدل و مصباح روشنی برای حل پیچیدگی‌های بسیاری از احادیث‌اند» [۲۰؛ ۱۳، ص ۱۳]، به کارآمدی آیات غرر نظر دارد تا تبیین ماهیت این آیات. از بررسی تفاسیر امامیه به دست آمد که جز در تفسیر تسنیم به تعریف آیات غرر اهتمام نشده است؛ هر چند که به طور قطع مورد نظر آنان بوده است و در عین حال تعاریف ارائه‌شده نیز تام و دقیق نیست. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی غرر و کاربرد آن در بیان مفسران امامیه، آیات غرر را می‌توان چنین تعریف کرد: «عبارت‌های تام قرآنی که در موضوع خود در مجموع محکمت قرآنی از برجستگی خاص بیانی و محتوایی برخوردار بوده و در تبیین موضوع و پاسخگویی به مسائل آن منحصر به فرد و کارآمد باشند.» از این تعریف بر می‌آید که غرر قرآنی با محکمت پیوند دارند و به بیان دیگر به طور قطع غرر از شمار محکمت قرآنی هستند لکن همه محکمت غرر محسوب نمی‌شوند بلکه محکمتی غرر هستند که ویژگی برجسته‌ای به لحاظ محتوایی و اسلوب بیانی داشته باشند. با قید محکمت معلوم می‌شود که آیات متشابه به دلیل چندوجهی بودن در معنارسانی، از شمار غرر قرآن بیرون است.

تنها از برخی اشارات و براینده آیات منتخب علامه طباطبایی چنین بر می‌آید که جامعیت [۱۲؛ ۴۸، ص ۹۶]، ظرافت و دقت در بیان [۴۸؛ ۲، ص ۳۷۲؛ ۴۸؛ ۱۲، ص ۱۴۳]، توحیدی بودن محتوا [۴۸؛ ۲، ص ۳۰۷؛ ۴۸؛ ۱۳، ص ۷؛ ۴۸؛ ۱۵، ص ۱۷۸] از شاخصه‌های آیات منتخب وی به عنوان غرر است. همچنین جامعیت^۱، بلاغت بیانی^۲ و ژرفای معارف^۳ از معیارهای تفسیر *الفرقان* در انتخاب آیات غرر است.

۱. «این آیه از غرر آیات و جامع براهین توحید است؛ جامع همه مدالیل آیات مرتبط به توحید آفاقی و انفسی قرآن است» [۴۰؛ ۵، ص ۶۲] و «این از آیاتی است که زکات را برای همه میوه‌ها تعمیم می‌دهد، ...» [۴۰؛ ۵، ص ۱۶۸].

۲. «این آیه از غرر آیات قرآنی مرتبط به شأن اهل‌بیت^(ع) است زیرا از علی^(ع) به «انفسنا» و از فاطمه^(س) به «نساءنا» و از حسنین^(ع) به «أبناءنا» تعبیر کرده است» [۴۰؛ ۱۰، ص ۳۱۰].

۳. «این آیه میان غرر قرآنی، ممتاز است زیرا نشانه‌های غیبی را که تاکنون بشر بدان دست نیافته در اختیار انسان قرار داده است» [۴۰؛ ۲۶، ص ۱۹۷].

از نگاه تفسیر تسنیم «انتخاب نام غرر برای برخی از آیات آسان نیست هر چند اشتغال آنها بر نکات سودمند بیش از بعض دیگر باشد البته آیات کلیدی که مشتمل بر اصل مهم در «آیه محکمه»، «فریضة عادله» یا «سنت قائمه» باشد که بتوان فروع فراوان فقهی، حقوقی یا اخلاقی را از آنها مجتهدانه استنباط کرد، شایسته تصاف به غرر خواهند بود» [۲۰؛ ۲۱، ص ۴۸۷]. همچنین در معیار کلیدی بودن آیات، به علو متن، ایجاز اعجاز آمیز، اتقان در برهان، جمع برهان و عرفان در بیان قرآنی و نیز راهگشایی آن‌ها برای آیات دیگر و پایه و میزان عدل بودن و روشنگری برای پیچیدگی‌های احادیث اشاره شده است. در نگاه استاد جوادی همه مسائل اسلامی - قرآنی اعم از عقاید، احکام، اخلاق و فنون به توحید باز می‌گردد که زیربنای همه معارف و اعمال شایسته است و بیشترین آیات کلیدی قرآن آیات توحید است [۲۰؛ ۱۳، ص ۳۲].

۲. زمینه‌ها

تحلیل پیشینه تاریخی پدیداری ایده غرر قرآنی با تکیه بر پرسش «زمینه‌های پدیداری غرر قرآنی چیست و مهمترین عامل پدیداری آن کدام است؟» یکی از مهم‌ترین مسائل این پژوهش است. در پاسخ به این پرسش بایستی ابتدا به این مهم توجه داشت که بعد از پدیداری هر متنی، چه نوشتار و چه گفتار، پاره‌هایی از آن مورد توجه خوانندگان و مخاطبان قرار می‌گیرد و از شهرت برخوردار می‌شود. این برجستگی بخشی از یک متن و به دنبال آن شهرت استنادی، ریشه در ساختار بیانی و سرشت معنایی و مهارت پدیدار [پدیدآورنده] آن دارد. ممکن است پدیدار خود به جایگاه ممتاز این پاره‌ها تذکر داده باشد و ممکن است افزون بر این، در فرهنگ کاربران و خوانندگان چنین برجسته‌نمایی و شهرت استنادی برای بخشی از یک متن پدید بیاید. برای مثال در اشعار حافظ برخی از غزل‌ها یا بیت‌هایی از غزل‌های وی نزد خوانندگان شهرت استنادی پیدا می‌کند و ممکن است متأثر از اشاره حافظ نیز به ممتازی این غزلها باشد و یا بدون اینکه حافظ گفته باشد خوانندگان چنین منزلت و اعتباری را برای شماری از غزل‌های وی قائل باشند. به همین سان است اشعار فردوسی، سعدی، شهریار و ... به نظر می‌آید این امر در سایر زبان‌ها نیز رایج و گفتمانی فراگیر در ادبیات و زبانهای دنیا باشد. به سخن دیگر فرایند شکل‌گیری این گفتمان ریشه در عوامل درون‌متنی و برون‌متنی دارد. گاه ویژگی‌های ممتاز در بخشی از متن آن را در اوج بلاغت و استناد قرار می‌دهد و گاه ممکن است بدون این ویژگی درون‌متنی نیز چنین اتفاقی در گفتمان مخاطبان و

خوانندگان متن شکل بگیرد، یعنی بخشی از آن متن نظر به کارآمدی یا تناسب آن با مسائل جامعه مخاطبان، امتیازی ویژه نسبت به دیگر بخش‌های همان متن بیاید. در واقع نوعی نسبیت در اینجا شکل می‌گیرد. چه بسا بخش‌هایی از متن فقط به دلیل تناسب گفتمانی روزگار مخاطبان مرجعیت استنادی پیدا کند که در گفتمان‌های پیشین و پسین از این ویژگی برخوردار نباشد و درباره قرآن نیز چنین است. بعد از نزول قرآن، آیات در طی زمان مورد استفاده قرار گرفت و اذهان مخاطبان جامعه با آن انس گرفت و جانمایی خاصی برای آیات در مسائل فرهنگی، اخلاقی، اعتقادی، تربیتی، سیاسی، نظامی، انسان‌شناسی و ... پدید آمد؛ به گونه‌ای که در یک گفت‌وگوی دینی یا حادثه‌ای مهم، نصیحت بزرگی برای کوچک، ... به آیاتی استشهاد و استدلال شد و این آیات به آرامی در مسائل متنوع دینی، مرجعیت معرفتی یافت و به مثابه شاه‌کلیدی در گره‌گشایی از بن‌بست‌های جامعه کارساز شد. برای نمونه آیات «... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...» [شوری: ۱۱] در همانندناپذیری خداوند، «... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» [نساء: ۹۵] در فضیلت مجاهدان در راه خدا، «... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ...» [مائده: ۲] در مشارکت اجتماعی مبتنی بر تقوا، «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» [حجرات: ۱۳] در معیار بودن تقوا برای برتری نزد خدا، « وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ...» [بقره: ۱۷۹] در فلسفه قصاص و مایه حیات بودن آن، ... مورد استناد واقع شد و شهرت یافت. به نظر می‌آید غرر قرآنی در تحدی قرآن به هم‌وردی از جایگاه خاصی برخوردار باشند زیرا به طور معمول بخش‌هایی از قرآن نازل شده و مورد تحدی قرار می‌گرفت و مخالفان قرآن نیز از هم‌وردی این آیات ناتوان ماندند. برای نمونه پیش از نزول قرآن عبارت «القتل أنفی للقتل» به عنوان قانون قصاص مطرح بود که با نزول آیه « وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ » تحدی عملی در جایگزینی با آن صورت گرفت و اینگونه بود که آیه یاد شده نظر به ویژگی‌های خاص بیانی و محتوایی چون ایجاز در عبارت، عدم تکرار، حسن تالیف و ... [۵۱؛ ۷، ص ۴؛ ۳۹؛ ۲، ص ۷۰۶] عبارت فصیح و بلیغ رایج در عصر جاهلی را نزد آنان از اعتبار ساقط کرد و غرر در قصاص شناخته شد [۶۲؛ ص ۳۱].

شهید ثانی در تقریر بلاغت این آیه به ایجاز آن در تقلیل لفظ و تکثیر معنا استدلال کرده است که خداوند با دو کلمه «الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» به معارضه با مثل «القتل أنفی للقتل» پرداخت که در نوع خود از امثال نیکو، کوتاه و گویای در معنا بود؛ لکن خداوند به کوتاه‌ترین و گویاترین جمله بسنده نمود و در حالی که چهار حرف کمتر از آن [یعنی

عبارت القتل انفی للقتل] است، ولی با نهایت اختصارش بر بیشترین معنا دلالت دارد» [۳۹؛ ۲، ص ۷۰۶].

یکی از قرآن‌پژوهان بعد از شمارش ابعاد برجسته آیه قصاص در مقایسه آن با عبارت «القتل انفی للقتل» چنین می‌نویسد: «با اجتماع این ویژگی‌ها در این آیه که بیان آنها گذشت، [این آیه] از جمله «القتل انفی للقتل» نیکوتر و بلیغ‌تر است و آن را در عالی‌ترین رتبه سخن قرار داده است هر چند که عبارت رایج نزد عرب نیز از سخنان فصیح آنان بوده است» [۲۲؛ ۲، ص ۱۶].

رسول خدا^(ص) به عنوان معلّم و تبیین‌کننده قرآن در این گفتمان‌سازی نقش مهمی داشت. آیات استنادی وی در مسائل مختلف برای مسلمانان درس‌آموز بود و این آیات برای آنان جایگاهی رفیع و ممتاز در شناخت نظریه قرآنی و وحیانی داشت. بعد از ایشان، علی^(ع) این روش را ادامه داد و در سخنان بدیع خود آیاتی را برجسته نمود و عیاری قرآنی برای مخاطب در مسئله ارائه کرد. در ادامه مقاله ذیل «غرر مأثور» با ذکر نمونه‌هایی به نقش‌آفرینی رسول خدا^(ص) و عترت ایشان در این گفتمان خواهیم پرداخت. برجستگی برخی از آیات ریشه در محتوای فاخر و بی‌نظیر قرآنی دارد و برخی دیگر به بلاغت اعجاز‌آمیز قرآن در فنون بیان باز می‌گردد. بی‌شک چنین گزینشی نیازمند هوشمندی کامل و اشراف بر جهان‌بینی قرآنی و استواری نظر در انتخاب آیات داشت که هر دو بزرگوار دارای این دانش بودند و البته علی^(ع) آن را از رسول خدا^(ص) فرا گرفته بود.

این چنین بود که آیه‌هایی، تاج درخشان بر سر نهاده و در کرسی هر بحثی بر مسند استدلال و استشهاد تکیه زدند و مدار و افق بحث را تعیین کردند. به دنبال این سنت علمی، صحابه، تابعان و دیگر عالمان مسلمان به فراخور دانش خود، آیاتی را در مباحث علمی برجسته کردند و بدین سان گفتمانی به نام «آیات برگزیده قرآنی» در اندیشه اسلامی شکل گرفت. هر چند این گفتمان از پدیداری تا امروز، فراز و فرودهایی داشته اما همواره تنور آن داغ مانده است. در دوره معاصر این گفتمان در دانش تفسیر جان تازه‌ای یافت و مفسرانی از امامیه چون علامه طباطبایی با بازخوانی سیره رسول خدا^(ص) و عترت مطهر او، توجه به آیات گزیده قرآنی را دوباره در تفسیر قرآن رونق بخشیدند و از آن به عنوان قاعده‌ای در تفسیر خود بهره بردند. بنابر این زمینه‌های پدیداری آیات غرر را می‌توان به بلاغت اعجازی قرآن، استنادات پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع) به آیات، فرهنگ مسلمانان در بهره‌وری از قرآن و سیره تفسیری مفسران خلاصه کرد که با توالی تاریخی در شکل‌گیری گفتمان غرر نقش‌آفرین بودند. مفسران در تثبیت این گفتمان

مؤثر بودند و علل سه‌گانه پیشین در پدیداری آن نقش داشتند؛ لکن ضریب اهمیت و تأثیر دو عامل نخست از همه عوامل دیگر بیشتر بوده است.

۳. رهیافت‌ها

مقصود از اصطلاح رهیافت^۱، چگونگی پرداختن به یک مسئله یا شیوه تفکر درباره آن است. رهیافت‌شناسی، پژوهشی اکتشافی است که به استخراج رویکردها و ارزیابی آنها درباره یک مسئله می‌پردازد. رهیافت‌شناسی مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که مفسران معاصر امامیه چه رهیافت‌هایی در انتخاب آیات غرر دارند؟ برآیند بررسی تفاسیر معاصر امامیه که به تعیین غرر آیات در تفسیر توجه داشتند، نشان می‌دهد که دو رهیافت غایت‌گرا و محتواگرا میان آنها رایج است. هر چند مفسران از این عناوین استفاده نکرده‌اند اما عملکرد تفسیری آنان گویای آن است. در ادامه این دو رهیافت تقریر و ارزیابی می‌شود.

۱.۳. رهیافت غایت‌گرا

بر اساس این رهیافت، غایت نزول قرآن معیار تعیین آیات غرر است و نوع دیدگاه مفسران در هدف‌گذاری نزول قرآن، در تعیین آیات غرر اثر دارد. برای مثال اگر از نگاه مفسری غایت نزول قرآن دعوت به توحید باشد به طور طبیعی آیات منتخب وی از قسم آیات خداشناسی با محتوای فلسفی - کلامی خواهد بود. این رهیافت آیات غرر را صرفاً یا غالباً آیات توحیدی و غرر معارف غیر توحیدی را به گونه‌ای برگشت به توحید می‌داند [۴۸؛ ۱۲، ص ۵۰]. غالب آیاتی که علامه طباطبایی و صادقی تهرانی آن‌ها را غرر دانسته‌اند از این قسم است. حال مفسری که غایت نزول را با هدف بعثت نبوی در پیوند بداند، استكمال اخلاق اجتماعی را شاخصی برای تعیین آیات غرر خواهد دانست. این رهیافت به نوعی نسبیت و در نتیجه اختلاف در تعیین آیات غرر منجر می‌شود.

۲.۳. رهیافت محتواگرا

بر اساس این رهیافت، پیکره قرآن کریم از بخش‌های متنوع و همگون با یکدیگر تشکیل شده است که هر بخش از آن، ضمن استقلال و انسجام درونی، با سایر بخش‌ها و کل

1. Approach.

ساختمان معنایی قرآن، سازواری بیرونی دارد. تنوع و تعدد این بخش از رویکرد مفسر - حداقل در بخش‌هایی چون اعتقادات، اخلاق و تربیت، فقه و حقوق، مدیریت و سیاست - تأثیر پذیر از جایگاه و کارکرد هدایتی قرآن است. هر یک از این بخش‌ها به اقتضای موضوع و رویکرد هدایتی قرآن از نظام معنایی خاص خود برخوردار است و آیات شاخص و برجسته‌ای دارد که به عنوان اصل و عیار در آن عرصه معارفی عمل می‌کنند. تفسیر تسنیم با تقسیم معارف قرآنی به دو بخش حکمت نظری و حکمت عملی، غرر آیات آن دو را از یکدیگر تفکیک کرده است. برای نمونه در جایی از این تفسیر چنین آمده است: «آنچه می‌تواند در بخش حکمت نظری از غرر آیات سوره نساء مطرح شود، آیه توحید و تحذیر از شرک (آیات ۴۱ و ۱۱۲) و آیه ضرورت وحی و رسالت و عدم کفایت عقل در هدایت انسان (آیه ۱۲۱) و آیه معجزه بودن قرآن و نزاهت آن از هرگونه اختلاف (آیه ۱۲) است، یعنی در این سوره هم ضرورت نبوت ثبوتاً بیان شده و هم دلیل آن اثباتاً و در بخش حکمت عملی آیه عدل و امانت (آیه ۱۱) است. آیات دیگری نیز مطرح‌اند که در حد خود صبغه غره بودن را دارند» [۲۰؛ ۱۷، ص ۲۳-۲۶].

همچنین ایشان در تعیین آیات غرر سوره حمد می‌نویسد: «چنین به نظر می‌رسد که از جهت حکمت نظری، مضمون خبری آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و از جهت حکمت عملی، مضمون خبری آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از غرر آیات سوره حمد محسوب می‌شود» [۲۰؛ ۱، ص ۲۷۰-۲۷۵].

این دو رهیافت قابل جمع با یکدیگر بوده و تفاوت آن‌ها فقط در زاویه دید است. در نگرش علامه طباطبایی به طور خاص نوعی کلان‌نگری به قرآن، استفاده از روش ارجاع درون‌متنی به آیات و تجمیع مفاهیم آن‌ها با یکدیگر در رهیافت غایت‌گرا دیده می‌شود. در مقابل رهیافت محتوا گرا افزون بر امتیازات رهیافت غایت‌گرا، جامعیت و دقت بیشتری در تعیین آیات غرر دارد و آسیب نسبت مفسر محور در آن کمتر است و از این رو می‌توان از آن به عنوان رهیافت معیار یاد کرد.

۴. اکتشاف

مقصود از اکتشاف غرر قرآنی، کشف چگونگی آیات غرر و منابع شناخت آن است. به عبارت دیگر به چه شیوه‌ای می‌توان به غرر قرآنی دست یافت؟ منابعی که غرر قرآنی از آن‌ها قابل اکتشاف است کدام‌اند؟ به نظر می‌رسد با توجه به نوع منبع استنادی در

اکتشاف غرر قرآنی، به حصر عقلی سه روش نقلی، تراثی و اجتهادی در اکتشاف غرر قرآنی فرا روی محقق وجود دارد که در ادامه تقریر هر یک از این روش‌ها خواهد آمد.

۱.۴. روش نقلی

مقصود از روش نقلی، اکتشاف غرر قرآن با استناد به نصوص اصیل دینی است. پیش‌فرض این روش، پذیرش وجود غرر قرآنی در روایات است. این فرضیه با نمونه‌یابی‌های متعدد از روایات معصومان^(ع) قابل اثبات است. از چنین روایاتی می‌توان شاخصه‌های غرر قرآنی را نیز استخراج کرد. از بررسی روایات معصومان^(ع) به‌دست می‌آید که گاهی آنان به ویژگی خاص یک آیه یا سوره اشاره یا در مسئله‌ای بنیادی و مهم به محتوای آن استشهاد و استناد کرده‌اند. اهمیت و فضیلت خاص این آیات و سوره‌ها چنان بوده است که در مواردی عناوین توصیفی به آن‌ها داده شده است. اگر آیه‌ای یا سوره‌ای در نصوص روایی مقبول امامیه برجسته شده یا فضیلت ممتاز برای آن بیان شده باشد، می‌توان آن را جزء غرر قرآنی به شمار آورد. برای مثال بسمله از جمله آیاتی است که در روایات فریقین، فضائل و آثار و خواص متنوعی برای آن بیان شده [۵۳؛ ۱، ص ۲۲؛ ۵۶؛ ۱، ص ۱۷] و به ویژه بر قرائت آن در هر امر کوچک و بزرگی تأکید شده است [۱۶؛ ص ۱۰۶]. آیه‌الکرسی نیز همانند بسمله دارای جایگاه برجسته‌ای در روایات شیعه [۴۹؛ ۱، ص ۷۴-۷۵] و اهل سنت [۴۷؛ ۳، صص ۳۷۱ و ۳۷۶] است. برخی از این روایات آن را افضل آیات سوره بقره، اعظم و سید آیات قرآن و برتر از همه کتب آسمانی خوانده‌اند. اهمیت این دو آیه به حدی است که در کتاب‌های حدیثی و تفسیری مبحثی با عنوان فضیلت آن آمده و روایات مربوط به آن مورد بحث قرار گرفته و مداومت بر تلاوت آن بعد از نماز، از اوصاف انبیا و شهیدان دانسته شده است [۵؛ ص ۱۱۸]. کلینی از آیه‌الکرسی در ابواب مختلفی چون حرز، تعویذ، دعا، النوم، باب الدعاء للکرب و الهم، باب دخول القبر، تشیید البناء و ... در کتاب کافی گزارش کرده است [۵۸؛ ۲، صص ۵۳۶ و ۵۷۳؛ ۵۸؛ ۳، صص ۴۸۵؛ ۵۸؛ ۶، صص ۵۱۶]. نقطه اشتراک کاربرد این آیه در این موارد کارکرد ایمن‌سازی و حراست در برابر خطر احتمالی و مواجهه با دشمن است. از مجموع آیاتی همانند آیه‌الکرسی با کاربرد امنیت‌افزایی به «قوارع القرآن» تعبیر شده است [۵۸؛ ۶، صص ۵۱۶] که چنین تعریف می‌شوند: «قوارع قرآن، آیاتی هستند که هر کسی آن‌ها را بخواند از شر شیطان در امان بماند، همانند آیه‌الکرسی و مثل آن که گویی شر شیطان را نابود می‌کند» [۱؛ ۴، صص ۴۵]. این همه تأکید بیانگر محتوای

غنی این دو آیه است و می‌توان آن دو را از شمار غرر قرآنی بر شمرد. در فرهنگ اسلامی این دو آیه جایگاه برجسته‌ای داشته و با سیره عملی مسلمانان چنان آمیخته شده که هر روز مسلمانی آن را بازخوانی می‌کند و بر خواندن آن دو استمرار دارد. در هنر خوشنویسی اسلامی نیز این دو آیه جایگاهی بس شگرف دارند. بررسی گستره کاربرد آیه‌الکرسی و بسمله در روایات اهل‌بیت(ع) خود نیازمند پژوهش مستقلی است که در اینجا تنها به ذکر نمونه‌های مشهوری از آن بسنده شد.

گاهی برای سوره‌ها نیز چنین جایگاهی بیان شده است. برای نمونه برای معوذتین در گزارشی از صحابه منزلتی خاص بیان شده است. «از عقبه بن عامر جهنی نقل است [که گفت]: روزی همراه رسول خدا(ص) بودم که آیاتی برای وی نازل شد که همانند آن را نه شنیده بودیم و نه دیده بودیم و آن‌ها معوذتین بودند» [۴۷؛ ۳، ص ۳۸۴]. گاهی برخی از سوره‌ها اسامی ویژه‌ای یافته‌اند که بیانگر جایگاه برجسته آن‌ها نسبت به سوره‌های دیگر است که از آن جمله می‌توان به «ام‌القرآن»، «جمال‌القرآن»، «قلب قرآن»، «عروس قرآن»، «شناسه خدا»، «شناسه عترت»، «سنام‌القرآن»، «سوره الحواریین» یا «سوره عیسی» یا «سوره الامتحان» یا «سوره الموده»، «سوره الشریعه (جاثیه)»، «سور القلاقل» و... اشاره کرد. در برخی از پژوهش‌های معاصر فضائل و خواص سوره‌ها در موقعیت‌های مختلف و کاربرد آیات در ادعیه، نمازها، صلوات معصومان^(ع)، حرزها و تعویذها گزارش شده است [۴۲؛ ۲، ص ۳]. شماری از تفاسیر شیعه و سنی نیز در ابتدای هر سوره روایات و اقوال صحابه و تابعان را در فواید و فضائل سوره‌ها یاد آور شده‌اند. در این میان جوهر الحسان فی تفسیر القرآن ثعالبی و مجمع البیان طبرسی نظر به دقت و کثرت در گزارش، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و شایسته بررسی و ارزیابی است.

گاهی اشتها آیات به غرر به اعتبار اختصاص آن‌ها به فضایل و مناقب قرآنی اهل‌بیت^(ع) است که برخی از آن‌ها فضائل تنزیلی و برخی تاویلی هستند [۱۷]. با این رویکرد، آیات خاصی ارتباط وثیقی با شأن اهل‌بیت^(ع) پیدا کرده و غرر قرآنی در این موضوع شده‌اند. از گذشته تاکنون، پژوهش‌های متعددی با این رویکرد انجام شده است. ابن کرامه در قرن پنجم با همین رویکرد به ترتیب مصحف، به گزارش فضایل قرآنی اهل‌بیت^(ع) پرداخته است [۷؛ ص ۱-۲]. استرآبادی نیز در قرن دهم هجری با رویکرد تاویلی به ترتیب مصحف، به گزارش روایات فضائل قرآنی اهل‌بیت^(ع) ذیل آیات پرداخته است [۲۴؛ ۱، ص ۲] البته هر چند عنوان تاویل در کتاب وی بکار رفته است لکن ظاهراً تفسیر نیز مراد وی بوده است. اندیشکی نیز در دوره معاصر تمام سوره‌های قرآنی را با رویکرد نشان دادن فضائل اهل‌بیت^(ع)، بررسی و روایات بیانگر آن را گزارش کرده است [۴۱].

۲.۴. روش ترائی

روش ترائی با مطالعه موضوع محور قرآن پیوند دارد. در میان عالمان مسلمان از کهن تا معاصر، سبک ترتیبی در مطالعه قرآن شیوع بیشتری داشته است. در این سبک قرآن را به ترتیب مصحف از ابتدا تا فرجام مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند. البته با پیدایش فقه اجتهادی در مقابل فقه روایی، از قرن چهارم هجری سبک موضوعی در مطالعه قرآن نیز پدید آمد و آیاتی از قرآن به عنوان آیات الاحکام نشان‌دار شد؛ هر چند فراوانی و گستره آیات الاحکام از نسبت و تطور تاریخی میان مفسران و فقیهان برخوردار بوده و نظریه ثابتی پدید نیامده است [۳۱؛ ۱، صص ۳۵۰-۳۵۱]. در دوره معاصر، تفسیر موضوعی به عنوان سبکی کارآمد در اکتشاف نظریه‌های قرآنی مورد استقبال و تأکید برخی از قرآن‌پژوهان مسلمان قرار گرفت [۴۳]؛ هر چند که این سبک با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو شد [۲۶؛ ص ۱۸]. حال پرسش این است که در تفسیر موضوعی رایج، ضابطه انتخاب آیات مرتبط با یک موضوع چه بوده است؟ اجتهاد شخصی یا نص‌محور؟ آیا غیر از ویژگی محتوایی و اسلوب بیانی، معیار دیگری نزد طرفداران تفسیر موضوعی در گزینش این آیات مد نظر بوده است؟ چرا از این همه آیات مرتبط با موضوع بحث، عالمان به این آیات توجه نشان داده و محور بحث را بر اساس آن نهاده‌اند؟ به نظر می‌رسد که جز اجتهاد شخصی و دانش قرآنی عالمان، ضابطه و منبعی خاص در اختیار آنان نبوده است و دلایل آن به شرح ذیل است:

الف) ساختار و روش قرآن، تعیین و نشان‌دار نمودن آیات بر اساس موضوع نبوده است؛ سنت نبوی و روش عترت^(ع) نیز غالباً تبیین و تعلیم قرآن به ترتیب نزول آیات بوده و زمینه تبیین موضوعی آیات جز در موارد معدودی فراهم نبوده است.

ب) قرآن بر خلاف تورات و عهد عتیق که از نوعی ترتیب و نظم موضوعی برخوردار است، چنین نظمی ندارد و صرفاً بر اساس نیازهای مردم جامعه عربستان دوره نزول نازل شده است. از این رو انتظار ترتیب موضوعی آیات و نظام‌واره‌ای منطقی میان آن‌ها از قرآن، معقول و منطقی نیست. هر چند اساس دین اسلام بر قرآن استوار است لکن در مواردی به نظر می‌رسد که نزول قرآن به دنبال تبلیغ نبوی بوده است و هر جا رسول خدا^(ص) نیازمند به امداد وحیانی بوده است قرآن نازل می‌شده است. لذا یکی از اشکال‌های مخالفان تفسیر موضوعی «عدم نزول قرآن به شکل موضوعی» است [۱۸؛ ص ۴۵] که البته این اشکال چندان تمام نیست زیرا برای استخراج نظریه یک نویسنده و

گوینده، بایستی به تمام کلام وی در مدت ارائه گزاره‌های وی توجه کرد به ویژه در مواردی که کلام وی به شکل بخش‌بخش در اختیار خواننده قرار گیرد.

یکی از محققان در تفاوت ساختاری قرآن با کتب عهدین چنین می‌نویسد: «کتب عهد عتیق از یک روند نسبتاً موضوع‌بندی شده تبعیت می‌کند و به ندرت پیش می‌آید موضوعی تکرار شده باشد و مراجعه به کتاب برای اطلاع از موضوعی خاص بسیار راحت است در حالی که کتب عهد جدید همچون اناجیل و کتب ملحقه به اناجیل این حالت را ندارند و مطالب آن‌ها کاملاً به صورت آزاد بیان شده و یک موضوع بارها تکرار شده است» [۱۳؛ ص ۲۶۹].

ج) بررسی تفاسیر موضوعی شناخته شده نشان می‌دهد که گزینش آیات در این تفاسیر بر اساس تشخیص فردی و با توجه به انس و شناخت مفسر از قرآن و ایجاد رابطه معنایی میان آنها صورت گرفته است و این مهم تفاسیر موضوعی را آسیب پذیر کرده است. از این رو تدوین گنج‌واژه‌ای برای قرآن امری ضروری است که می‌تواند روش کلید واژه در گزینش آیات را در تفسیر موضوعی تکمیل کند [۱۳؛ ص ۲۶۸]. گزینش اجتهادی و فردی آیات در تفاسیر موضوعی، برخی از محققان را به ضرورت موضوع‌بندی آیات قرآن برای تسهیل محققان در دسترسی به آیات مرتبط به یک موضوع سوق داد. البته برخی از مستشرقان در دروه معاصر در این عرصه پیشگام بوده و فردی چون «ژول لایوم» فرانسوی با هدف تسهیل بررسی قرآن برای مستشرقان، «تفصیل آیات القرآن الکریم» را تألیف کرد. با ترجمه آن به عربی از سوی محمد فواد عبدالباقی، جهان اسلام متوجه خلاء موجود در این عرصه شد و کارهایی به دنبال آن انجام شد. در ایران نیز تلاشهایی در این زمینه صورت گرفت که از جمله می‌توان به مجموعه‌های فاخری چون فرهنگ موضوعات قرآن، الحیاة، فرهنگ قرآن و ... اشاره کرد.

در روش ترائی با مراجعه به تکنگاری‌های تفسیر موضوعی می‌توان آیات غرر را در نگرش مولفان آن‌ها بازیابی کرد. برای نمونه در تفاسیر فقهی یا همان آیات الاحکام می‌توان رویکرد مفسران را در غرر فقهی قرآن به دست آورد. به همین سان در مجموعه‌های فقهی، آیات استنادی فقیهان در ابواب مختلف فقه از غرر فقهی یا حکمی قرآن به شمار می‌آیند. در آثار کلامی نیز وضعیت به همین سان است و با مطالعه این نگاشته آیات العقاید یا غرر اعتقادی - کلامی قابل بازیابی است. همچنین در نگرش ترائی شاهد اسم‌گذاری برخی آیات هستیم نام‌هایی چون: «آیه دین»، «آیه تطهیر»، «آیه خمس»، «آیه لیلۃ‌المبیت»، «آیه مباهله»، «آیه إفک»، «آیه حجاب» و ... [۲۷].

۳.۴. روش اجتهادی

در روش اجتهادی نوعی نظریه‌پردازی در اکتشاف و طبقه‌بندی غرر قرآنی انجام می‌شود. محقق با توجه به مؤلفه‌های غرر قرآنی و شاخصه‌های آن، قرآن را بررسی و مؤلفه‌های غرر را بر هر یک از آیات تطبیق می‌دهد و در صورتی که آیه‌ای با این مؤلفه‌ها انطباق داشت، آن را به عنوان آیه غرر معرفی می‌کند. این روش چون مبتنی بر تشخیص و اجتهاد نظری محقق است، روش اجتهادی نامیده می‌شود. ممکن است نتایج این روش با دو روش پیشین یکسان یا متفاوت باشد و دلیل آن به تنوع نظریه اجتهادی در مؤلفه‌های غرر قرآنی باشد که از نسبت تاریخی و تنوع برخوردار است.

از مقایسه این روش‌ها بر می‌آید که اعتبار روش نقلی به دلیل اعتبار سنت نبوی و اهل‌بیت^(ع) بیشتر از دو روش دیگر است. بر اساس مبانی کلامی شیعه، رسول خدا^(ص) و امامان آگاه‌ترین افراد به قرآن هستند و هر نوع معرفت قرآنی عرضه شده از سوی آنان عیار بوده و مطابق با واقعیت قرآنی است [۳۲]. از روش نقلی می‌توان مؤلفه‌های غرر قرآنی را استخراج و آن را عیار سنجش روش ترائی و اجتهادی قرار داد. اما چنین اعتباری را نمی‌توان در مورد دو روش دیگر ادعا کرد و حتی بر فرض پذیرش اعتبار، این دو روش به میزان روش نقلی از الزام نظری و التزام عملی برخوردار نیستند زیرا احتمال اختلاف و خطا در آن‌ها وجود دارد. روشن است که دو روش ترائی و اجتهادی به لحاظ تاریخی فوایدی در مطالعات تفسیری داشته و نشانگر تطور رویکرد قرآن‌پژوهان به مسئله غرر قرآنی در تاریخ تفسیر است. همچنین نتایج روش نقلی نشان می‌دهد که روایات، نقش مهمی در شکل‌گیری ایده غرر قرآنی داشته است. اهل‌بیت^(ع) با شناخت از ساختار معنایی قرآن، آیات و سوره‌هایی را در بیان خود برجسته نمودند و زمینه‌های ذهنی و فکری کاویدن ابعاد این آیات را برای فرهیختگان فراهم کردند.

۵. طبقه‌بندی

یکی دیگر از مسائل این پژوهش امکان‌سنجی طبقه‌بندی غرر قرآنی بر پایه الگوی معیار است. پیش فرض ما امکان ارائه الگو برای استخراج و طبقه‌بندی غرر قرآنی است. حال مهم‌ترین پرسش عبارتست از اینکه الگوی معیار در طبقه‌بندی آیات غرر چیست؟ مقصود از الگوی طبقه‌بندی غرر قرآنی، تقسیم‌بندی این آیات بر اساس معیاری منطقی و توجیه پذیر است که از جامعیت مقبولی برخوردار بوده و غرر قرآنی را در نظام‌واره‌ای علمی ارائه نماید. واقعیت این است که در این موضوع تا کنون پژوهشی تحلیلی و

انتقادی نشر نیافته و طبقه‌بندی خاصی از غرر قرآنی ارائه نشده است. آنچه نگارنده در این بخش عرضه می‌کند براین مطالعه و جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌ها از تفاسیر روایی و اجتهادی است و به عنوان نخستین گام در این عرصه و به‌طور قطع نیازمند تکمیل است. نگارنده در دو محور الگوی فرضیه‌ای-انتزاعی و الگوی معیار به این مسئله پرداخته است.

۵. ۱. الگوی فرضیه‌ای

با فرضیه‌پردازی انتزاعی، غرر قرآنی را می‌توان بر اساس معیارهای متنوع به گونه‌های متعددی تقسیم کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از غرر سوره‌ای، غرر مکی یا مدنی، غرر موضوعی، غرر معارفی و غرر دانشی.

۵. ۱. ۱. غرر سوره‌ای

معیار در این طبقه‌بندی، حد کمی سوره‌های قرآنی است. هر سوره به عنوان یک کلی دارای آیاتی شاخص و منطبق بر مؤلفه‌های غرر قرآنی است که آن را با غرر سوره‌های دیگر متمایز ساخته است و غرر قرآنی از مجموع این آیات تشکیل می‌شود. به چنین آیاتی غرر سوره‌ای نام نهادیم. این رویکرد در شمار معدودی از تفاسیر معاصر همانند *المیزان* و به دنبال آن *تسنیم* به چشم می‌خورد. در مواردی نه‌چندان زیاد هنگام تفسیر سوره‌ای، به غرر آیات آن اشاره شده است. شایان ذکر است تشخیص غرر در سوره‌های کوتاه با دشواری روبه‌روست، مگر اینکه در این سوره‌ها به جای آیه از سوره‌های غرر یاد کنیم. برای مثال مجموع آیات سوره کوثر را می‌توان با مؤلفه‌های غرر قرآنی تطبیق داد و کلیت سوره را در حکم یک آیه به شمار آورد.

۵. ۲. ۱. غرر مکی یا مدنی

بنا بر نظریه پذیرفته‌شده در علوم قرآنی، سوره‌ها بر اساس معیار زمانی، مکانی، مخاطبی و محتوایی قابل تقسیم به مدنی و مکی هستند [۳۸؛ ۱، ص ۷۴؛ ۶۴؛ ۱، ص ۱۲۹] و هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند. به نظر می‌آید می‌توان آیات غرر را نیز بر اساس این معیار به دو گونه غرر مکی و مدنی تقسیم کرد. مراد از غرر مکی آیات شاخص و منطبق بر مؤلفه‌های غرر قرآنی است که در مکه نازل شده‌اند یا مطابق با معیار آیات مکی‌اند و مدنی نیز به همین‌سان آیاتی است که در مدینه نازل شده یا منطبق بر معیارهای آیات مدنی‌اند، لکن مؤلفه‌های غرر قرآنی را نیز دارند.

۵. ۱. ۳. ۱. غرر موضوعی

قرآن کریم از موضوعات متنوع و متعددی سخن گفته است و در هر موضوعی دارای آیات متناسب با خود است. فراوانی و طبقه‌بندی موضوعات قرآنی از مسائلی است که از گذشته تا کنون مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده و تلاش‌هایی نیز در این باره صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش‌ها می‌توان با الگوی خاصی در طبقه‌بندی موضوعات قرآنی، آیه معیار قرآنی هر موضوع را بر اساس ویژگی‌های آیات غرر تشخیص داد. در تفاسیر موضوعی، تفاسیر فقهی و برخی از کتاب‌های اخلاقی و کلامی، آیات شاخص و متناسب با موضوع آن کتاب از قرآن گزینش و تفسیر شده است.

۵. ۱. ۴. ۱. غرر معارفی

معیار در این تقسیم نوع معارف قرآنی است. معارف قرآنی را می‌توان بر اساس محتوای آن‌ها به انواعی تقسیم کرد. برای نمونه می‌توان این معارف را به خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی، معادشناسی و شریعت‌شناسی تقسیم کرد [۶۳]. نمونه دیگر، تقسیم معارف بر اساس الگوی اصول و فروع دین است که از جامعیت نسبی برخوردار است. به هر روی در این تقسیم، آیه شاخص و منطبق بر مؤلفه‌های غرر قرآنی در هر یک از معارف قرآنی را غرر آن می‌نامیم. برای مثال در خداشناسی می‌توان سوره توحید، آیه نور و ... را مثال زد که به تبیین ایجابی و سلبی ابعاد وجودی خداوند پرداخته‌اند.

۵. ۱. ۵. ۱. غرر دانشی

برخی از آیات در پدیداری دانش‌های اسلامی نقش جدی داشتند. همچنین شماری از آیات در دانش‌های انسانی از این ویژگی برخوردارند. به نظر می‌آید الگوی دیگر در تقسیم غرر قرآنی، دانش‌معیاری است. مقصود از این رویکرد، بازتاب غرر قرآنی در دانش‌ها و نگاه‌های عالمان اسلامی است. نظر به جایگاه منحصر به فرد و ممتاز قرآن در انواع علوم اسلامی، عالمان مسلمان با توجه به گرایش و تخصص علمی خود، شماری از آیات را در تبیین مسائل و موضوعات آن علم هوشمندانه گزینش می‌کردند و آن‌ها را عیار قرآنی در مباحث خود قرار می‌دادند. برخی از آیات با توجه به طرح مسائل معرفتی در اندیشه اسلامی، ارجاع حداکثری یافته‌اند و عالمان به این آیات بیشتر از دیگر آیات توجه نشان داده‌اند. برای مثال فقها با توسعه مسائل فقهی، آیاتی را به عنوان مستند قرآنی مطرح کردند و به مرور این آیات مرجعیت استنادی در فقه پیدا کردند که پیش از

طرح این مسائل چندان مورد توجه نبودند. در کلام نیز به همین شکل است. با پدیداری فرق کلامی و شبهه‌ها و مسائل اعتقادی جدید، شماری از آیات به طور خاص مورد استناد متکلمان قرار گرفت. این گونه از آیات قرآنی به عنوان معیار و مرجع در مباحث و مسائل اعتقادی و فقهی نقش آفرین بودند. برای نمونه در پدیداری دانش فقه آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» [توبه: ۱۲۲] (معروف به آیه نفر) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. در سایر دانش‌های انسانی و اسلامی نیز با همین معیار می‌توان غرر قرآنی را تشخیص داد و طبقه‌بندی کرد. گاه برخی از آیات در برخی از مسائل علوم انسانی و تجربی مهم جلوه می‌کنند. در دانش پزشکی، فرایند پدیداری جنین در آیه «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» [مؤمنون: ۱۴]، اتساع زمان در آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» [اسراء: ۱]، انجماد سریع آب در آیه «فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» [شعراء: ۶۳] و ... از این گونه هستند.

۵. ۲. الگوی معیار

به نظر می‌آید غرر قرآنی رابطه‌ای با اصول معرفتی و موضوعات بنیادین قرآنی دارد و از این رو در طبقه‌بندی آن‌ها باید به این اصول توجه داشت. بدون دستیابی به این اصول و نظام معرفت قرآنی، غررشناسی قرآن روشمند نخواهد بود. علامه طباطبایی با توحیدی خواندن آیات غرر بر همین نکته تأکید داشته است. در الگوی معیار بر این مهم تأکید می‌شود که دین برابندی از معرفت و حیانی است که اصول آن در قرآن بیان شده است. در حقیقت، قرآن برای ترسیم مبانی و قواعد و قوانین دین نازل شده است و این دین دارای عرصه‌های متنوعی است. عرصه‌های بنیادین دین عبارتند از انسان‌شناسی، خداشناسی، اخلاق‌شناسی، شریعت‌شناسی و فرجام‌شناسی. از این رو به نظر می‌آید الگوی دین‌محور جامعیت مقبولی در غرر شناسی قرآن داشته باشد. هر یک از این عرصه‌ها نیز دارای زیر مجموعه‌هایی هستند که باید در ترسیم الگوی جامع غرر قرآن به آن‌ها توجه شود. بر پایه الگوی معیار، قرآن در هر یک از این عرصه‌های بنیادین دارای آیات شاخص

و برجسته‌ای است و نظریه قرآنی را باید مبتنی بر آن‌ها استخراج کرد. برای نمونه بر پایه آیات غرر، آموزه‌های انسان‌شناسی قرآن استخراج و تبیین گردیده است [۳۳]. به همین سان در سایر عرصه‌ها نیز باید غرر قرآنی استخراج گردد و آموزه‌های قرآنی مبتنی بر آن‌ها تبیین شود. از آثاری چون *آیات المعاد* [۶۰]، *آیات التوحید* [۵۹]، *آیات العقائد* [۲۳]، *پیام قرآن* [۶۵]، *منشور جاوید* [۳۶]، *دستور الاخلاق فی القرآن* [۲۸] و *القرآن و التشریح* [۱۲] می‌توان چنین رویکردی را استنباط کرد هر چند که نویسندگان آنها دامنه گسترده‌ای از غرر را مد نظر داشته‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

گستره کاربرد غرر در فرهنگ عربی نشان می‌دهد که عرب از این واژه در اشیاء، اشخاص، افکار و سخن استفاده کرده است که وجه مشترک جامع میان آن‌ها ممتاز بودن فرد در میان همگنان خود است. از سوی دیگر نسبتی میان بلاغت و غرر وجود دارد. غرر گفتار یا نوشتاری است که به لحاظ ساختار شکلی و درون‌مایه محتوایی در نوع خود بی‌نظیر بوده و جایگزینی آن با عبارت دیگر ممکن نباشد. از این‌رو غرر در گفتار و نوشتار با توان بیانی و مهارت فرد در چینش واژگان، ترکیب ساختاری جمله و انتقال معنا به مخاطب رابطه دارد و بنابر این غرر را در متون عادی نباید انتظار داشت.

مفسران و عالمان امامیه متأثر از روش اهل‌بیت^(ع) اصطلاح غرر را در توصیف منزلت شماری از آیات قرآنی بکار برده‌اند. هر چند تعریف تام و دقیقی از این آیات ارائه نشده است لکن می‌توان آن را به عبارت‌های تام قرآنی که در موضوع خود در مجموع آیات قرآنی از برجستگی خاصی برخوردار بوده و در تبیین موضوع و پاسخگویی به مسائل آن کارآمد باشند اطلاق کرد. مهم‌ترین عامل پدیداری چنین نگرشی به غرر قرآنی، سنت نبوی و روایات اهل‌بیت^(ع) است که با برجسته‌نمایی بخش‌هایی از قرآن، این ایده را در اذهان مسلمانان و قرآن‌پژوهان پدید آوردند. این برجسته‌نمایی با توجه به ویژگی‌های بیانی و محتوایی این آیات بود که تمایزی خاص در مقایسه با دیگر آیات داشتند. به دنبال آن، آیات یاد شده شهرت یافته و در گفت‌وگوهای دینی مرجعیت استنادی - استدلالی پیدا کردند. البته نقش خود قرآن و ویژگی اعجاز بیانی آن را در این پدیده نمی‌توان انکار کرد لکن مقصود ما در اینجا عامل بیرونی است. این اتفاق که به برجسته‌نمایی بخشی از متن منجر می‌شود امری طبیعی است و رخداد آن در متون

ادبی و علمی کاملاً توجیه‌پذیر است و طبیعی است که غرر قرآنی در تحدی قرآن به هم‌وردی، از جایگاه خاصی برخوردار باشد.

دو رهیافت غایت‌گرا و محتوا‌گرا در میان مفسران معاصر امامیه در تعیین آیات غرر رایج است. این دو رهیافت قابل جمع با یکدیگر بوده و تفاوت آن‌ها فقط در زاویه دید آن‌ها است. در رهیافت غایت‌گرا و به طور خاص در نگرش علامه طباطبایی، نوعی کلان‌نگری به قرآن و نیز استفاده از روش ارجاع درون‌متنی به آیات و تجمیع مفاهیم آن‌ها با یکدیگر دیده می‌شود. در مقابل، رهیافت محتوا‌گرا افزون بر امتیازات رهیافت غایت‌گرا، جامعیت و دقت بیشتری در تعیین آیات غرر دارد و آسیب‌نسبیت «مفسر محور» در آن کمتر است و از این‌رو می‌توان از آن به عنوان رهیافت معیار یاد کرد. هر چند تفسیر تسنیم متأثر از *المیزان* است اما رهیافت مؤلف آن با رهیافت علامه طباطبایی متفاوت بوده و بیشتر به رهیافت محتوا‌گرایانه در طبقه‌بندی کلان آیات غرر گرایش دارد و شمار آیات غرر معرفی شده در آن نیز بیشتر از *المیزان* است؛ زیرا تفسیر *المیزان* رهیافت غایت‌گرایانه دارد و از این‌رو تنها تعداد معدودی از آیات توحیدی را به عنوان غرر قرآنی معرفی کرده است.

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که آیات غرر در یک نگاه کلان به دو گونهٔ مأثور و اجتهادی تقسیم می‌شوند. معیار این تقسیم، ظرف گفتمان پدیداری این نگرش‌ها به غرر قرآنی است. اگر گفتمان پدیداری در نصوص و منابع اصلی اسلام یعنی قرآن و سنت باشد، آن را روایی خوانده‌ایم و اگر رویکردی خارج از این دو شکل بگیرد اجتهادی نامیده‌ایم. هر چند نوع دوم متأثر از اولی است لکن به لحاظ نوع گفتمان و تقدم رُتبی و تاریخی و میزان اعتبار با یکدیگر متفاوت هستند. مقصود از غرر مأثور، آیاتی هستند که در روایات معصومان^(ع) مورد استناد قرار گرفته‌اند یا معصومان^(ع) از آن‌ها اقتباس یا استنطاق نموده‌اند. غرر اجتهادی، آیاتی هستند که در میراث عالمان و نظریه‌های غررشناسی مطرح شده‌اند. البته می‌پذیریم که گونهٔ ترائی نیز جزء اجتهادی است لکن از این‌رو آن را جدا از ترائی آوردیم که چه بسا محققى دارای نظریهٔ گونه‌شناسی غرر قرآنی باشد اما نگاشته‌ای در عرصهٔ فقه، کلام و اخلاق تألیف نکرده باشد و به نظریه‌پردازی و طبقه‌بندی محض غرر قرآنی بسنده کند. در فرض اخیر، غرر اجتهادی با ترائی تفاوت دارد مگر اینکه با تسامح بپذیریم که ارائهٔ نظریه غررشناسی وی نیز آن را جزء ترائی قرار می‌دهد.

طبقه‌بندی غرر رابطه‌ای متقابل با اصول معرفتی و نظام موضوعات بنیادین قرآنی دارد.

بدون دستیابی به این اصول و نظام معرفت قرآنی، غررشناسی قرآن روشمند نخواهد بود. دین‌برایندی از معرفت وحیانی است که اصول آن در قرآن بیان شده است. در حقیقت، قرآن برای ترسیم مبانی و قواعد و قوانین دین نازل شده است. این دین‌دارای عرصه‌های متنوعی است. عرصه‌های بنیادین دین عبارتند از انسان‌شناسی، خداشناسی، اخلاق‌شناسی، شریعت‌شناسی و فرجام‌شناسی. به نظر می‌آید الگوی دین‌محور از جامعیت مقبولی در غررشناسی قرآن برخوردار باشد. توجه به آیات غرر به عنوان یک قاعده تفسیری در «تفسیر قرآن به قرآن» بیش از سایر روش‌های تفسیری کاربرد دارد زیرا آیه غرر نقش یک اصل یا جامع را نسبت به سایر آیات فرعی دارد. بر پایه آیه غرر، خیلی از مفاهیم و معارف قرآنی که در سوره‌های مختلف به شکل پراکنده آمده است، تفسیر و تجمیع می‌شود. از سوی دیگر پیوندی با تفسیر موضوعی نیز دارد و به عنوان یکی از آیات محوری در اکتشاف نظریه قرآنی یا تحلیل ابعاد اصلی موضوع نقش‌آفرینی می‌کند.

منابع

- [۱]. ابن‌اثیر، مجد‌الدین (۱۳۶۴ش). *النهاية في غريب الحديث والأثر* (ج ۳) و (ج ۴). قم، إسماعیلین.
- [۲]. ابن‌حزم، علی بن احمد (۱۹۸۳م). *جمهرة أنساب العرب*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۳]. ابن‌حنبل، احمد (؟). *المسند* (ج ۲). بیروت، دار صادر.
- [۴]. ابن‌سلام، قاسم (۱۳۸۴ق). *غریب الحديث* (ج ۳). بیروت، دار الکتب العربیة.
- [۵]. ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (؟). *المخصص* (ج ۴). لبنان، دار احیاء التراث العربیة.
- [۶]. ابن‌فارض، عمر بن حسین (۲۰۰۵ م)، *دیوان ابن‌فارض*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۷]. ابن‌کرامه، شرف‌الاسلام (۲۰۰۰ م). *تنبيه العاقلین عن فضائل الطالبیین*. قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- [۸]. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق). *لسان العرب* (ج ۵). قم، نشر أدب الحوزة.
- [۹]. أزری التمیمی، کاظم (۱۹۸۰ م). *دیوان الأزری الکبیر*. بیروت، دار التوجیه الإسلامی.
- [۱۰]. آملی، سید حیدر (۱۴۲۸ق)، *تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم* (ج ۱). قم، نور علی نور.
- [۱۱]. بغدادی، عبد‌القادر (۱۹۹۸م)، *خزانة الأدب* (ج ۴). بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۲]. بلعید، صادق (۲۰۰۴م). *القرآن و التشریح*. بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیة.
- [۱۳]. پاکتچی، احمد (۱۳۹۰ش). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- [۱۴]. ثعالبی نیشابوری، عبدالملک (۱۹۸۳م). *یتیمه الدهر* (ج ۱) و (ج ۳). بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۵]. ثعالبی، عبد‌الرحمن (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن* (ج ۱). بیروت، دار احیاء التراث العربیة.
- [۱۶]. ثمالی، ابوحمزه (۱۳۷۸ش)، *تفسیر أبی حمزة الثمالی*. قم، الهادی.

- [۱۷]. جلائیان، علی اکبر (۱۳۸۴ش)، *اهل البيت في القرآن الكريم: سورة الحمد و البقره*. مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- [۱۸]. جلیلی، هدایت (۱۳۸۷ش). *تفسیر موضوعی*. قم، بوستان کتاب.
- [۱۹]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰ش). «شیوه تفسیری». آینه مهر، ویژه بیستمین سالگرد و بزرگداشت علامه طباطبایی.
- [۲۰]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸ش). *تسنیم*. قم، مرکز نشر اسراء.
- [۲۱]. جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۹۵۶م). *الصحاح* (ج ۲). بیروت، دار العلم للملایین.
- [۲۲]. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷ش). *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر* (ج ۲). تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- [۲۳]. حجازی، ابراهیم (۱۳۷۷ش). *آیات العقائد*. مشهد، آستان قدس رضوی.
- [۲۴]. حسینی أستر آبادی، شرف الدین علی (۱۴۰۷ق). *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*. قم، أمير.
- [۲۵]. حمیری قمی، عبد الله (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم، مؤسسه آل البيت^(ع).
- [۲۶]. خالدی، صلاح عبد الفتاح (۲۰۰۸م). *التفسير الموضوعی بین النظرية و التطبيق*. اردن، دار النفائس.
- [۲۷]. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران، دوستان - ناهید.
- [۲۸]. دراز، عبدالله (۱۹۷۳م). *دستور الاخلاق في القرآن*. بیروت، موسسه الرساله.
- [۲۹]. دینوری، ابن قتیبہ (۲۰۰۶م). *الشعر و الشعراء* (ج ۱). قاهره، دار الحديث.
- [۳۰]. دینوری، ابن قتیبہ (۱۹۸۸م). *غریب الحديث* (ج ۱). بیروت، دار الکتب العلمیه .
- [۳۱]. راد، علی (۱۳۹۱ش). «*احکام القرآن ابن عربی*»: جریان شناسی تفاسیر فقهی (ج ۱). مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- [۳۲]. ----- (۱۳۹۰ش). *مبانی کلامی امامیه در تفسیر*. تهران، نشر سخن.
- [۳۳]. ----- (۱۳۹۳ش). *انسان در تراز قرآن*. قم، دار الحديث.
- [۳۴]. زمخشری، محمود (۱۹۶۰م) *أساس البلاغة*. قاهره، دار و مطابع الشعب.
- [۳۵]. ژول لابوم (۱۴۰۰ق). *تفصیل آيات القرآن الحكيم*. تهران، بی نا.
- [۳۶]. سبحانی، جعفر (۱۳۷۵ش). *منشور جاوید*. قم، موسسه امام صادق^(ع).
- [۳۷]. سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۳ش)، *شرح مثنوی* (ج ۳). تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳۸]. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). *الاتقان* (ج ۱). بیروت، دار الکتب العربی.
- [۳۹]. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۹ش). *رسائل الشهد الثاني*. قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- [۴۰]. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن*. قم، انتشار فرهنگ اسلامی.
- [۴۱]. صالحی اندیمشکی، محمد (۱۴۲۵ق). *القرآن و فضائل أهل البيت^(ع)*. قم، ذوی القربی.
- [۴۲]. صالحی نجف آبادی، عبد الله (۱۴۲۹ق). *فضائل القرآن الكريم وخواص سورة وآياته* (ج ۱-۳). قم، مکتبه الحیدریه.
- [۴۳]. صدر، محمد باقر (۱۳۹۹ق). *المدرسة القرآنية*. بیروت، دار التعارف.

- [۴۴]. صدوق، محمد (۱۴۱۷ق)، *امالی*. قم، مؤسسه البعثة.
- [۴۵]. ----- (۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*. نجف، المكتبة الحيدرية.
- [۴۶]. صفوت، أحمد زکی (۱۹۶۲م)، *جمهرة خطب العرب في عصور العربية الزاهرة* (ج ۱). بی جا، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- [۴۷]. صنعانی، عبد الرزاق (؟). *المصنف* (ج ۳). تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی. بی جا، منشورات المجلس العلمي.
- [۴۸]. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ج ۱۴) و (ج ۱۹). قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۹]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۹۵م). *تفسیر مجمع البیان* (ج ۱-۱۰). بیروت، الاعلمی.
- [۵۰]. طریحی، فخر الدین (۱۳۶۲ ش). *مجمع البحرین* (ج ۳). تهران، نشر مرتضوی.
- [۵۱]. طوسی، محمد (۱۳۸۷ش). *المبسوط* (ج ۷). طهران، المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
- [۵۲]. عسکری، أبوهلال (۱۳۸۴ق). *جمهرة الأمثال* (ج ۲). بیروت، دار الجیل.
- [۵۳]. عیاشی، محمد بن مسعود (؟). *تفسیر العیاشی* (ج ۱). تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، طهران، المكتبة العلمية الإسلامية.
- [۵۴]. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العين* (ج ۴). تهران، مؤسسه دار الهجرة.
- [۵۵]. قرشی، محمد بن أبی الخطاب (؟). *جمهرة أشعار العرب*. بیروت، دار صادر.
- [۵۶]. قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۶ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب* (ج ۱). طهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی .
- [۵۷]. کاوس روحی، برندق (۱۳۹۳ش). «غرر الآيات در تفسیر المیزان با محوریت آیه ۵۶ سورة ذاریات». معرفت، ش ۲۰۳. قم، موسسه امام خمینی.
- [۵۸]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی* (ج ۲) و (ج ۶). طهران، دار الکتب الإسلامية.
- [۵۹]. محمدیان، محمد (۱۴۲۲ق). *آیات التوحید*. تهران، مشکوه.
- [۶۰]. ----- (۱۳۸۲ش). *آیات المعاد*. تهران، مشکوه.
- [۶۱]. مرزوقی الأصفهانی، أحمد بن محمد (۱۹۹۶م). *الأزمة والأمكنة*. بیروت، دار الکتب العلمية.
- [۶۲]. مرعشی نجفی، شهاب الدین (۱۴۱۵ق). *القصاص علی ضوء القرآن و السنة*. قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي العامة.
- [۶۳]. مصباح یزدی (؟). *معارف قرآن*. قم، موسسه امام خمینی (ع).
- [۶۴]. معرفت، هادی (۱۴۱۵ق). *التمهید فی علوم القرآن* (ج ۱). قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۶۵]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش). *پیام قرآن*. قم، مدرسه امیر المومنین (ع).